

سیاسی

اخبار

دهه فجر بهترین فرصت

برای تبیین اهداف انقلاب است



آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در

دیدار جمعی از فعالان تبلیغی و فرهنگی کشور، از تلاش‌های شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ودر رأس آن آیت‌الله جنتی قدردانی کرد و

گفت: دهه فجر، یادآور پایان ستمگری طواغیت، آغاز حاکمیت دین در زندگی مردم و شکل‌گیری مدنیتی به نام دین و نظامی تحت زعامت ولی‌فقیه به عنوان نایب‌امام زمان(عج)است.رئیس قوهقضائیه‌با اشاره به مجاهدت‌های الهام‌بخش شهید سلیمانی در جریان مبارزه با جریان استکبار در منطقه، ایام‌الله دهه فِجر را فرصتی برای تبیین این مجاهدت‌ها و دستاوردها دانست و افزود: امروز فضای شبهه‌افکنی گسترده‌ای دل و جان جوانان را تهدید می‌کند و دشمن ملام در صدد ارائه یک قرآنت‌بد از انقلاب اسلامی است؛ چنانکه همه دیدیم این بزرگ‌ترین نقضان حقوق انسان در جای جای جهان، چگونه تلاش داشتند با زُست دلسوزی برای جان‌باختگان حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی که حقیقتا دل همه مردم ایران را به درد آورد، ۲ قله تشییع میلیونی پیکر حاج قاسم و تحقیر هیمنه نظامی آمریکا با حمله به پایگاه عین‌الاسدرا تحت‌الشعاع قرار دهند.رئیس قوهقضائیه با تأکید بر لزوم نهادینه‌سازی فرهنگ انقلابی‌گری با استفاده از همه ظرفیت‌ها در ایام‌الله دهه فجر، اظهار کرد: دشمن نمی‌خواهد نسبت به اهداف و آرمان‌های انقلاب، کار تبیینی انجام شود و تلاش دارد بزرگداشت‌این حادثه‌عظیم، به حد یک مراسم و تشریفات شکلی و صوری باقی بماند اما همه باید تلاش کنیم در این ایام‌اعلام کنیم امروز پنجاه هفتی بودن یک ارزش و افتخار است و مکتب فِجر، دست‌پروردگانی همچون قاسم سلیمانی دارد که منطقه را از شر استکبار نجات می‌دهد.

بن‌علوی بار دیگر در تهران

وزارت خارجه عمان اعلام کرد یوسف بن‌علوی روز گذشته به تهران سفر کرده است. به گزارش باشگاه خبرنگاران، وزارت خارجه عمان با انتشار اطلاعیه‌ای در حساب کاربری خود در توئیتر اعلام کرد: «یوسف بن‌علوی، وزیر خارجه عمان روز یکشنبه(دیروز) در تهران با محمدجواد ظریف همتای ایرانی خود دیدار و درباره امنیت دریایی در تنگه هرمز، روابط دوجانبه و مسائل منطقه رایزنی می‌کند». یوسف بن‌علوی هفته گذشته نیز به ایران سفر کرده بود و طی یک ماه گذشته این چهارمین سفر او به ایران است.

برخورد مرزبانی آمریکا با ایرانی‌ها نژادپرستی محض است

سخنگوی وزارت امور خارجه در حساب کاربری خود در توئیتر و در واکنش به آزار ایرانی‌ها در مرزهای آمریکا نوشت: طبق گزارش‌ها مقام‌های امنیت مرزی آمریکا ایرانی‌ها را تنها به صرف ملیت‌شان مورد آزار قرار می‌دهند. سیدعباس موسوی تأکید کرد: این اقدام یک نژادپرستی محض و تلافی با هنجارها و قوانین بین‌المللی و حقوق بشری است. به گزارش ایسنا، سخنگوی وزارت امور خارجه در پایان مطلب خود آورده‌است: این برخوردها شاهد دیگری بر مقده شیطنی آمریکا نسبت به ایران و خصومت عمیق با ایرانیان است. گفتنی است، از آغاز ماه ژانویه مقام‌های مرزی و گمرک آمریکا در بنو ورود ایرانیان به خاک آمریکا، حتی افرادی که تابعیت دوگانه ایرانی- آمریکایی یا ایرانی- کانادایی دارند را مورد بازجویی قرار داده و حتی از ورود برخی به خاک ایالات متحده جلوگیری کرده‌اند.

نگاه

درباره بی‌سابقه‌ترین اجتماع ملت عراق

ادامه از صفحه اول

آندقر این کشور را تضعیف می‌کنند تا در نهایت یک دیکتاتوروی کار آورده و بتوانند این کشور را غارت کنند. اما خوشبختانه در عراق شاهد یک تحول هستیم و این تحول به برکت مبارزات ملت عراق و ایران در ارتباط با پدیده پیچیده داعش حاصل شد. این مبارزات شناخت عمیقی نسبت به آمریکا حاصل کرد که یک بازی دوسویه را در عراق آغاز کردند، آنها از یک سو داعش را خلق کرده و از سوی دیگر برای شکست آن عراقی را به وحدت با خود دعوت کردند. در واقع حرکت دوسویه‌ای را آغاز کردند که هر دو سوی آن در اختیار آمریکایی‌ها باشد.

در این مبارزات بخشی از مردم عراق درک کردند آمریکایی‌ها موجودات فریبکار و حيله‌گری هستند که هرگز نمی‌خواهند در عراق استقرار قانون صورت بگیرد. ابتدا آمریکا می‌خواست فرماندار نظامی در عراق روی کار بیاید و این یعنی هر تصمیمی با خواست و اراده این کشور صورت پذیرد اما وقتی به کمک ایران دولت عراق استقرار یافت ودموکراسی و رای مردم در ساختار سیاسی نوین این کشور تجلی یافت، این برای آمریکا دردآور بود که دومین کشور مهم منطقه در مسیر دموکراسی گام بردارد. آمریکا برای توقف این مسیر تلاش کرد اما امروز با مقاومت جدی ملت عراق مواجه است.

پنج- راه طولانی مردم عراق در شناخت دشمن به برکت خون ۲ شهید بزرگوار که در عراق به زمین ریخته شد جامعه عمل پوشید. امروز ملت عراق به قدرت ملی خود متکی شده است. نمایش قدرت ملت عراق در روز جمعه آمریکایی‌ها را در هم خواهد شکست و انسجام آنها را به هم خواهد ریخت. اجتماع عظیم و میلیونی عراق در روز جمعه در طول مبارزات مردم عراق به سابقه بود که این انسجام وحدت نظر آمریکایی‌ها را بر هم زده و عامل تضعیف آنها خواهد شد و اجازه نخواهد داد آنها با قدرت در عراق حضور پیدا کنند. این تزلزل موجب خواهد شد آنها صحنه عراق را ترک کرده و این اخراج، تلاش آنها در ایجاد اخلال و ناامنی در عراق را ناکارآمد خواهد کرد. اگر آمریکا در عراق نباشد نمی‌تواند هر روز یک بازی جدید راه بیندازد و اگر صحنه‌گردان ملت این کشور باشد، عراق به سرعت به قدرت جدی در منطقه تبدیل خواهد شد.

گروه سیاسی: همه چیز از مصاحبه عجیب ظریف با نشریه اشپیگل آلمان آغاز شده؛ جایی که او در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا مذاکره با آمریکا پس از ترور سردار سلیمانی را غیرمحمتمل می‌داند؟ اظهار داشت: «خیر، من هرگز چنین امکانی را رد نمی‌کنم به شرط آنکه آنها رویکرد خود را تغییر دهند و واقعیات را به رسمیت بشناسند. از نظر ما مهم نیست که چه کسی در کاخ سفید می‌نشیند. چیزی که اهمیت دارد نحوه رفتار آنهاست. دولت ترامپ می‌تواند گذشته‌اش را جبران کند؛ تحریم‌ها را بردارد و به میز مذاکره بازگردد. ما کماکان بر سر میز مذاکره هستیم.»

پاسخ عجیب وزیر امور خارجه تنها ۳ هفته پس از ترور شهید سلیمانی از سوی دولت آمریکا با واکنش‌های متعددی در فضای داخلی کشور مواجه شده بود که ترامپ با جواب توهین‌آمیزی در توئیتر خود آن را رد کرد.

رئیس‌جمهور آمریکا در حالی پیشنهاد ظریف را با عبارت «وزیر امور خارجه ایران می‌گوید ایران خواستار مذاکره با ایالات متحده است اما می‌خواهد تحریم‌ها برداشته شود. نه، مرسی!» داد که این نخستین موضع توأم با عقب‌نشینی وزیر امور خارجه برای باز کردن باب گفت‌وگو در شرایط ناپج نبود.

با این همه اجماع داخلی پس از شهادت سردار سلیمانی، این احتمال را مطرح کرده بود که در چنین شرایطی دولتمردان از به زبان آوردن مجدد ایده مذاکره با ترامپ چشم‌پوشی کنند اما گاف جدید ظریف نشان از نهادینه شدن یک گفتمان سیاسی در قول و عمل دولتمردان داشت.

چراغ سبز مذاکره در وضعیت قرمز جنگی

ترور فرمانده ارشد نظامی ایران و قبول مسؤولیت آن از سوی یک دولت نشانی کامل از یک تجاوز جنگی به حاکمیت ملی ایران دارد. نوع واکنش ایران به این اقدام خصمانه آمریکایی‌ها و حمله موشکی کشورمان به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد نیز به صورت متقابل حاکی از برقرار بودن یک شرایط جنگی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و آمریکا دارد.

اتخاذ موضع مذاکراتی ظریف و مانع تلقی نکردن شهادت سردار سلیمانی بر امکان آغاز مذاکره مستقیم با دولت آمریکا، فراتر از مسأله حیاتی عزت ملی، نقش منفی غیرقابل انکاری بر وضعیت حادث فعلی می‌گذارد. نشان دادن چراغ سبز برای مذاکره با دولتی که دست به ترور یکی از فرماندهان ارشد نظامی کشور زده است، فارغ از آنکه خلاف عرف معادلات جهانی شناخته می‌شود، تنها از سوی کشوری احتمال می‌رود که شکست خود را در یک شرایط جنگی مقابل دشمن متخاصم به رسمیت شناخته باشد. موضع عجیب ظریف و پاسخ بی‌ادبانه ترامپ که دور از انتظار نیز نبود، تنها پیامی را که در سطح جهانی می‌تواند مخابره کند پیام عقب‌نشینی و پذیرش نسبی شکست در مقابل طرف متجاوز است.

از سوی دیگر، طرح مجدد امکان مذاکره با دولت آمریکا در شرایطی که اجماعی کامل در سطح افکارعمومی ایرانیانی که در تشییع میلیونی پیکر شهید سلیمانی حاضر شدند و مطالبه انتقام این ترور را مطرح کردند شکل گرفته است، نشان از بی‌اعتنایی به فضای داخلی کشور نیاز دارد. ظرفیت ملی و وحدت اجتماعی مردم ایران در

سایه دشمنی آشکار یک کشور متخاصم موقعیتی نیست که همواره یک دولت بتواند آن را به دست آورد، مصاحبه ظریف در نقطه مقابل این جو غالب ضدآمریکایی کشور تنها یک فرصت‌سوزی ملی می‌تواند باشد.

ظریف و اعتیاد به مذاکره خارجی

اعتیاد به مذاکره خارجی به‌عنوان تنها راه‌حل ایجابی دولت

حسن روحانی در مقاطع مختلفی خود را نمایان کرده است؛ اعتیادی که همواره باعث شده در بزنگاه‌های استراتژیک برخلاف مصلحت عمومی تصمیم‌گیری شود. برای دولتی که در چنین منظومه‌ای سیر می‌کرد هیچ‌گاه تشکیل کمپین «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» در پاسخ به «عدم توافقی بهتر از توافق بد است» طرف‌های غربی هنجاری خلاف منافع ملی به شما نمی‌رفت، تا آنجا که حتی ظریف در ماه‌های نخست ریاست خود بر دستگاه دیپلماسی کشور بدون هیچ ابایی رو به تمسخر سیستم دفاعی کشور بی‌اورد و مدعی آن شود که آمریکا می‌تواند با دیگر نشانی از رویکرد ثابت و تغییرناپذیر یک بمب خود تمام آن را از کار بیندازد.

در چنین فضایی عمده موضوع رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه وی تا قبل از برجام عمدتاً پیام «اضطرار ایران» برای قبول شرایط حداکثری در راستای دست یافتن به توافق بود و پس از توافق نیز که با عهدشکنی‌ها و در نهایت خروج طرف اصلی توافق از آن همراه بود، باز هم پیام «ماندن به هر قیمت» را ارسال کرد و آمریکا و اروپایی‌ها را با این اتفاق نظر رساند که هیچ عملی از سوی آنان با عکس‌العملی از سوی کشورمان

مواجه نخواهد شد. در این موقعیت، موضع عجیب ظریف در مصاحبه اخیر وی با نشریه اشپیگل آلمان که با واکنش تند افکار عمومی و عصبانیت مردمی که تنها چند هفته از مواجهه‌شان با ترور فرمانده ارشد نظامی کشورمان می‌گذرد مواجه شد، هرچند نشان و نمایی از یک گاف فراموش‌ناشدنی می‌داد اما می‌توان آن را انعکاسی از همین اعتیاد به مذاکره در هر شرایطی دانست.

جواب تند و تمسخرآمیز ترامپ به موضع ظریف که از همان ساعات اولیه واکنش‌های متعددی را در فضای داخلی کشور با خود به همراه داشت، هرچند پار دیگر نشانی از رویکرد ثابت و تغییرناپذیر یک بمب خود تمام آن را از کار بیندازد. در چنین فضایی عمده موضوع رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه وی تا قبل از برجام عمدتاً پیام «اضطرار ایران» برای قبول شرایط حداکثری در راستای دست یافتن به توافق بود و پس از توافق نیز که با عهدشکنی‌ها و در نهایت خروج طرف اصلی توافق از آن همراه بود، باز هم پیام «ماندن به هر قیمت» را ارسال کرد و آمریکا و اروپایی‌ها را با این اتفاق نظر رساند که هیچ عملی از سوی آنان با عکس‌العملی از سوی کشورمان

مذاکره در این شرایط خیانت است



واداده واقعا در حد و اندازه کشور و نظام جمهوری اسلامی نیست و جای تاسف است که چنین موضعی می‌گیرند. به هرحال اینها روزهای آخرشان است و به نظر بنده چاره‌ای جز بیان این مواضع ندارند.

شما ملاحظه کردید که آمریکایی‌ها چه برداشتی از سخنان اخیر آقای ظریف داشتند؛ ترامپ گفت ایران خواهان مذاکره است و بعدش هم گفت که نه، مرسی! این رویکرد سنتت کلی آمریکاست و بنده بارها و در تمام مقالات و سخنرانی‌های خودم گفتم‌ام که شما اگر فقط یک قدم به طرف آمریکا بردارید، باید هزاران قدم دیگر هم بردارید. اینطور نیست که آنها در مقابل یک امتیازی که شما به آنها دادید، یک امتیاز به شما بدهند. این رویکرد با روحیه استکباری و تفرعن دولتمردان آمریکا سازگار نیست.

بنابراین موضعی نظیر سخنان اخیر آقای ظریف صرفا مواد اولیه را برای رجزخوانی‌های آمریکا فراهم می‌کند، ضمن اینکه اینگونه مواضع بیروزی‌های عظیم انقلاب اسلامی را که در تاریخ ۷۰ ساله بعد از جنگ دو جهانی سابقه نداشته تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. آمریکا در ۷۰ سال گذشته چنین شکست ذلت‌باری را متحمل نشده بود ولی با فضاسازی‌ای که امثال آقای ظریف مرتکب می‌شوند، شکست دولت آمریکا میان افکار عمومی داخل این کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند.



مواجه خواهد شد.

در این موقعیت، موضع عجیب ظریف در مصاحبه اخیر وی با نشریه اشپیگل آلمان که با واکنش تند افکار عمومی و عصبانیت مردمی که تنها چند هفته از مواجهه‌شان با ترور فرمانده ارشد نظامی کشورمان می‌گذرد مواجه شد، هرچند نشان و نمایی از یک گاف فراموش‌ناشدنی می‌داد اما می‌توان آن را انعکاسی از همین اعتیاد به مذاکره در هر شرایطی دانست.

جواب تند و تمسخرآمیز ترامپ به موضع ظریف که از همان ساعات اولیه واکنش‌های متعددی را در فضای داخلی کشور با خود به همراه داشت، هرچند پار آمریکایی‌ها برای تحقیر ایرانی‌ها بود اما در جایگاه خود تبدیل به نمادی کامل از اعتیاد ظریف و گفتمان جریان سیاسی غرب‌گرا برای تن دادن به مذاکره حتی ۲۰ روز پس از ترور فرمانده نظامی کشور که به نوعی تجاوز به حاکمیت یک کشور است شد و نشان از آن دارد که هیچ اقدامی در هیچ سطحی و با هر بیانی هم که باشد نمی‌تواند تغییری در چشم‌انداز سیاسی و منظومه فکری ظریف ایجاد کند.

باید زبان دیپلماسی را به ظریف یاد داد



مهدی نصیری، از فعالان رسانه‌ای و تحلیلگر مسائل سیاسی در صفحه شخصی خود در توئیتر درباره مواضع اخیر ظریف نوشت: انتظار ادبیات وزیر دفاع و فرمانده سپاه را از وزیر خارجه نمی‌توان داشت اما باید به آقای ظریف یادآور شد که زبان دیپلماسی می‌تواند عزت‌مندانه، شرافتمندانه و گاه کوبنده‌تر از سبلی موشکی باشد؛ لطفاً این زبان را هجی و تمرین کنید.

ابراز انز جار عمومی نسبت به اظهار نظر نابجای ظریف درباره امکان مذاکره با آمریکا حتی پس از ترور حاج‌قاسم سلیمانی

که پاسخ توهین آمیز ترامپ خطاب به او و ملت ایران را در پی داشت

شرم

جواب تند و تمسخرآمیز ترامپ به موضع ظریف از همان ساعات اولیه واکنش‌های متعددی را در فضای داخلی کشور با خود به همراه داشت

تجربه‌های خالی از دستاورد؛ از اوپاما تا ترامپ

فراترس از اعتیاد مذاکراتی ظریف که بازتابی از منظومه فکری دولت در نسبت با جهان بیرونی است، می‌توان سوال اصلی پیرامون اظهارات اخیر وزیر امور خارجه را مبتنی بر تجربه مذاکراتی وی پرسید. ظریف در حالی کماکان از گزینه مذاکره حتی در چنین موقعیتی نمایندگی می‌کند که تجربه مذاکراتی وی در شرایطی که بیشترین همراهی و دامنه اختیارات به او اعطا شده بود، در مقابل دیدگان همه و در معرض قضاوت قرار دارد.

آن توافقی که به گفته رئیس‌جمهور ساختمان تحریم‌ها را ترک انداخته بود، امروز به اقرار حسن روحانی و دولتمردانش به گونه‌ای بازسازی شده است که در طول تاریخ هیچ کشوری نمونه مشابه آن را نمی‌توان پیدا کرد؛ توافقی که اعتراض به نقض آن، ایران را بر اساس مکانیسم ماشه در جایگاه مهمتی که باید تحریم‌های اقتصادی آن مجدداً بازگردد، قرار داده است.

بر این مبنا در شرایطی که ظریف باید در مقام پاسخگویی برای عدم دستاورد مذاکرات چندین ساله خود باشد، طرح دوباره این ایده آن هم چند روز بعد از نپهی صریح رهبر انقلاب از هرگونه مذاکره با آمریکا تنها می‌تواند به طرف متخاصم جسارت بیشتری در لحن و عمل اعطا کند.

همان همیشگی

تجربه ۷ ساله دولت حسن روحانی که دال مرکزی آن بر مبنای حل مشکلات داخلی از طریق مذاکره خارجی بنا شده بود و شکست‌های بی در پیی آن در برهه‌های مختلف که هیچ‌گاه تغییری در رویه سیاست‌گذاری و اجرایی دولت به وجود نیاورد، گواهی روشن بر این پیشفرض است که نه‌تنها در سطح اقتصادی که در سطح سیاسی نیز دولت تدبیر و امید دچار یک «بی‌عملی» در مواجهه با هر اقدامی از سوی طرف خارجی است.

طرح مجدد احتمال و امکان مذاکره با دولتی که با توهین‌آمیزترین ادبیات سیاسی رو به تحقیر ملی و تجاوز به حاکمیت کشورمان آورده است، می‌تواند گویای همین نکته باشد که موضع ظریف در مصاحبه با نشریه اشپیگل آلمان فراتر از هر گاف سیاسی، یک آینه تمام‌نما از عدم به رسمیت شناختن نتایجی‌های داخلی در مواجهه با فشارهای خارجی است.

عمر دولت یازدهم و دوازدهم با مصادیق بی‌شماری از نادیده گرفتن ظرفیت‌ها و امکانات درونی کشور در شرایط فشار خارجی به پایان خود نزدیک می‌شود. زمانی که نقض مکرر توافق نامتوازن برجام، خروج آمریکا از آن و اقدام بی‌شمرانه این دولت در ترور یک مقام رسمی کشورمان که به دعوت رسمی کشوری دیگر به خاک

آن سفر کرده بود، گویای همین نکته است که روحانی و مجموعه دولت او که برآمده از گفتمانی بر پایه غرب‌گرایی و تعامل با کشورهای مرکزی برای دست یافتن به حداقلی از پیشرفت بوده، هیچ ال‌ترناتیوی برای پیش بردن کشور در سایه عدم همکاری دیگر طرف‌ها ندارند. هر چند این سخنان از نخستین روزهای روی کار آمدن حسن روحانی بارها در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور طرح شده بود اما تأکید اخیر رئیس‌جمهور بر بلد نبودن

اداره کشور بدون حضور و مشارکت طرف‌های خلف وعده کرده و نظراتی مشابه آنچه ظریف در مصاحبه اخیر خود به آن اقرار کرد، گویای همین مهم است. زنده نگه‌داشتن ایده مذاکره افراغ از احتمال عملی شدن آن، زنده نگه داشتن گفتمانی است که برای اداره کشور تنها یک راه‌حل خارجی را می‌تواند تجویز کند.

موضع ظریف جای تأسّف دارد



مذاکره با آمریکا تأکید دارد به خاطر این است که این جریان مسیر نرمالیزاسیون وعادی‌سازی رفتارهای ایران را دنبال می‌کند، همانطور که آمریکایی‌ها می‌خواهد، یعنی ۲ طرف می‌خواهند جمهوری اسلامی را در چارچوب هنجارهای خودشان عادی‌سازی کنند. از نگاه آنها کدام رفتارها غیرعادی است؟ رفتارهایی که شما بخواهید بر اساس پارادایم فکری خودت تعریف کنی. مثلاً نوع تعریفی که آمریکایی‌ها از موضوع تروریسم دارند با تعریف ما از تروریسم متفاوت است. طبق تعریف آنها، تروریسم، تهدید و فرصت و مفاهیمی از این دست، همانی است که آمریکایی‌ها می‌گویند. این تفکر متأسفانه در بخش‌هایی از حکومت ما دارد کار می‌کند. آمریکایی‌ها هرچند تلاش می‌کنند موضع‌گیری اخیر آقای ظریف را به پای عقب‌نشینی ایران بگذارند اما آنها هم می‌دانند که موضع آقای ظریف یک موضع جناحی است. آمریکایی‌ها می‌دانند که مواضع اصولی ایران توسط مقام معظم رهبری ترسیم می‌شود و ایشان هم در نمازجمعه اخیر تهران خطوط کلی نظام و چپبه مقاومت را ترسیم کردند.

جالب است که آقای روحانی هم پیش از این اذعان کرده بود مذاکره با آمریکا دیوانگی است، هرچند بنده معتقدم آن موضع نیز مصرف داخلی داشت، چراکه موضعی که وزیر امور خارجه در خارج از کشور اتخاذ می‌کند قطعاً هماهنگ و هم‌راستا با ریاست‌جمهوری است. واقعیت این است که نگاه آقای روحانی هم همین است و او درباره مذاکره با آمریکا متفاوت از وزیر خراجش فکر نمی‌کند.